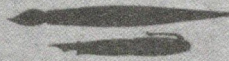


پیپ بارتلیک ۱

راہنمای
موجودات
جادوی

جکسون پیپرس

مگی استیفواتر



عاطفہ احمدی

پیش درآمد

ماجرای اسب‌های تک شاخ

اسب‌های تک شاخ درست پشت سر اتوبوس‌ها از راه رسیدند. اگر روی میزم خم می‌شدم و گردن می‌کشیدم، می‌توانستم از پنجره‌ی کلاس ببینمشان. روی تریلی تک شاخ‌ها نوشته بود: مزرعه‌ی اسب‌های تک شاخ اُورسان^۱! اگر کمی دیگر خم می‌شدم...

«پپ^۲!» بابا ناگهان صدایم کرد؛ چون آرنجم به جعبه‌ی سنگ‌هایش خورده بود و همه‌شان روی زمین پخش شده بودند.

با لحنی شرمنده گفتم: «وای!» و خم شدم که جمعشان کنم.

بابام معمولاً با من به مدرسه نمی‌آید، اما امروز، روز معرفی مشاغل بود. راهروها و کلاس‌ها پر از بابا و مامان‌هایی بود که با هیجان می‌خواستند درباره‌ی شغلشان حرف بزنند. بابا و مامان من زمین‌شناسند؛ برای همین هم بابا با خودش یک جعبه سنگ (خودش به آن‌ها می‌گفت ژئود^۳). آورده بود تا به هم‌کلاسی‌هایم نشان بدهد. من زیاد از بررسی سنگ‌ها خوشم نمی‌آید، با این حال بابای من از بابا و مامان‌هایی که زیپ لباس درست می‌کردند، باحال‌تر بود، ولی راستش، هیچ‌چیزی باحال‌تر از اسب‌های

1- EverSun Unicorn Farms

2- Pip

۳- Geode؛ ژئود به ساختارهای رسوبی ثانویه گفته می‌شود که در رسوبات و برخی صخره‌های آتشفشانی یافت می‌شوند.